



روش شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن، «معزی، صفارزاده، آیتی» سید محمد رضی مصطفوی نیا، محمد مهدی طاهر

چکیده

بی‌شک، قرآن کریم افزون بر اینکه یک کتاب مقدس دینی است که در مقام هدایت بشر و تشریح راه و روش زندگی برتر است تا آدمی را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون شود، یک شاهکار ادبی نیز هست که ضمن برخوردارگی از فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین اسلوب‌های بیانی عصر خود، آنها را به کمال رسانده است. روشن است که فهم قرآن کریم و به عبارت دیگر فهم صحیح قرآن در گرو آشنایی بهتر و بیشتر با اسلوب‌های ادبی رایج در عصر نزول است. یکی از اسلوب‌های ادبی که در قرآن به کار رفته اسلوب کنایه است. نظر به اهمیت این عنصر بیانی در قرآن کریم و جایگاه آن در شیوه ارائه مقصود، این پژوهش با عنوان بررسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآنی (معزی، آیتی و صفارزاده) تدوین شده است. در این نوشتار ضمن بیان روش ترجمه کنایه، مصادیق کنایه را از لابه لای کتب بلاغت و تفسیر استخراج نموده و در چالشی بی‌غرض به بررسی ترجمه تعابیر کنایی در ترجمه‌های این عزیزان پرداخته و نتایج حاصل از این پژوهش را در جدول‌هایی مخصوص ارائه نموده‌ایم. نتایج تحقیق (الف: در بسیاری از موارد، مترجمان در انتقال ساز و کار بلاغی زبان مبدأ به لحاظ ویژگی‌های زبان مقصد، ناتوانند. ب: کنایه در تمام زبانهای دنیا وجود دارد ولی کنایه‌های زبان عربی با کنایه‌های زبان فارسی عمدتاً مطابقت نمادین ندارند. بنابراین در صورت امکان، بهترین

ترجمه برای تعبیر کنایی، ترجمه کنایی است تا ضمن انتقال تمام و کمال مفهوم مورد نظر به زبان مقصد دارای جاذبه‌های بلاغی نیز باشد. در غیر این صورت باید به ترجمه معنایی روی آورد و حتی الامکان از ترجمه تحت‌اللفظی اجتناب کرد. در همین راستا، تسلط و اشراف مترجم بر بلاغت به عنوان یکی از علوم پیش‌نیاز ترجمه و آشنایی وی با فرهنگ زبان مبدأ و زبان مقصد ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: ترجمه، کنایه، معزی، آیتی، صفارزاده.

مقدمه

قرآن، این کتاب شگفت‌انگیز آسمانی، که اقیانوسی سرشار از جواهرات گران سنگ معنایی است و هر شیفته معرفتی را در خود فرو می‌برد، اگر چه از زوایا و ابعاد متفاوت مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است، ولی زیباترین و چشمگیرترین جنبه قابل تفحص آن، که جنبه فصاحت و بلاغت آن است، آن چنان که باید و شاید در حوزه ترجمه مورد توجه قرار نگرفته است. عمق و گستردگی زیباییهای قرآن کریم از نظر ادبی و هنری همچون آفریننده خود، تمام ناشدنی و بی‌حد است و هنوز افرادی را می‌طلبد که با بینش و چشم‌انداز تازه‌ای آفرینش آن را آشکار نمایند. اعجاز هنری قرآن، هر فرد جستجوگر حقیقت را چنان سرگشته و مبهوت می‌نماید که اگر عجولانه، توسن قلم را در این وادی به حرکت درآورد، لاجرم افت و خیزهای این توسن کاستیها و نارساییهایی را به دنبال خواهد داشت. اما آشکار شدن حتی یک جلوه از جمال قرآن کریم بسی ارزشمند است.

یکی از وجوه مهم بلاغت، «کنایه» است. از آنجا که این عنصر بیانی در آیات قرآن کریم بسیار نیکو و بجا به کار رفته است، به عنوان جلوه‌ای از جمال کلام وحی خودنمایی می‌کند. قرآن کریم این اسلوب ادبی را به نحو احسن در اغراض گوناگونی چون رعایت ادب، پرهیز از آوردن الفاظ قبیح، تأکید بر عظمت و قدرت، به قصد مبالغه و قصد اختصار و مانند آن به کار برده است تا با این روش بیشترین تأثیر را بر مخاطبان خود بگذارد. حال، این کتاب مقدس با چنین ویژگیها و به لحاظ کمال کلام و حوزه معنایی و مفاهیم فوق بشری، مترجم را با چالشهای فراوانی رو به رو می‌سازد و اینجاست که نیاز مترجم به علوم پیش‌نیاز ترجمه قرآن کریم از جمله بلاغت احساس می‌شود تا بتواند مفاهیم آسمانی را حتی الامکان به زبان مقصد

روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن... ۷۳ □

انتقال دهد، هرچند که نهایت تلاش بشری عاجز از دریافت کامل این معجزه آسمانی است
اما؛

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

در همین راستا، به لحاظ گستردگی موضوع فنون بلاغت، این نوشتار تنها به بررسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های آقایان معزی، آیتی و خانم صفارزاده که از سه شیوه مختلف ترجمه یعنی تحت‌اللفظی، وفادار و تفسیری بهره جسته‌اند، پرداخته است تا ضمن بررسی و مقایسه آنها و ارزیابی میزان عنایت آن بزرگواران به این عنصر بیانی، روش مناسب را برای ترجمه هر یک از تعابیر کنایی قرآن کریم معرفی نماید.

بدیهی است زبانهای گوناگون به لحاظ ساز و کارهای بلاغی ناهمگون، تأثیرات متفاوتی بر مخاطبان خود می‌گذارند که روند ترجمه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این تأثیرگذاری گاهی منجر به تولید واژگان و عبارات نامتعارف می‌شود و در موقعیت‌هایی به لحاظ ترجمه‌ناپذیری متن، خلأی را در زبان مقصد به وجود می‌آورد که انسجام متن را مختل می‌سازد. در چنین وضعی رویکرد مترجم باید معنامحور و آمیخته با جنبه‌های زیبایی‌شناختی باشد. و خلاصه اینکه یک مترجم خوب ضمن اشراف بر علوم مورد نیاز ترجمه، باید یک نویسنده هنرمند نیز باشد.

کنایه در قرآن

قرآن کریم که به زبان عربی مبین نازل شده است، از همه زیباییهای کلام عربی که از جمله آنها کنایه است، استفاده کرده است. در قرآن تعبیرهای لطیف کنایی، فراوان دیده می‌شود. البته برخی از کسانی که جمود فکری را تقدیس قرآن، نام نهاده‌اند، گفته‌اند در قرآن کنایه وجود ندارد و کنایه در خور کلام خدا نیست؛ زیرا کنایه از باب مجازگویی است و مجاز در کلام خدا روا نیست. آنان حتی در این باره کتابهایی نوشته‌اند که از جمله آنها می‌توان کتاب منع جواز المجاز فی المنزل للتعبد والاعجاز^۱ اثر شنقیطی را نام برد. این در حالی است که می‌دانیم قرآن به زبان عربی مبین و بالهجه قریشی نازل شده و در بیان معارف بلند خود، شیوه‌ها و

۱. این کتاب با تحقیق سامی بن عربی در سال ۱۴۱۴ ق از سوی مکتبه السنه در قاهره چاپ شده است. محقق در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، سخنانی را از ابن تیمیه و ابن قیم جوزی نقل کرده که در آنها وجود مجاز در قرآن به صراحت نفی شده است.

آرایه‌های موجود در زبان و فرهنگ آن زمان را به کار برده، آن هم در حدی که شگفتی سخنوران و بزرگان شعر و ادب را برانگیخته است. یکی از رایج‌ترین شیوه‌های شاعران و سخنوران بزرگ استفاده از تعبیرهای کنایی است. همان طور که پیشتر مطرح شد، ادیبان و دانشمندان علوم بلاغت کنایه را رساتر از تصریح می‌دانند و آن را نوعی بلاغت و زیباگویی به شمار می‌آورند لذا می‌بینیم که بیشتر ضرب‌المثل‌های فصیح عربی بر اساس کنایه است. به هر حال بیشتر قرآن‌پژوهان وجود کنایه در قرآن را تأیید کرده و آن را یکی از وجوه مهم بلاغت قرآن شمرده و مثالهایی برای آن ذکر کرده‌اند.^۱

روش ترجمه کنایه

سؤالاتی که در خصوص روش ترجمه کنایه مطرح می‌شود، بهتر می‌تواند ما را در ورود به بحث کمک کند، از جمله اینکه:

الف: آیا در برخی موارد، در ترجمه کنایه معنای اصلی کلمات را باید در نظر گرفت؟

ب: آیا برخی از کنایه‌ها عیناً در زبان مقصد به کار می‌روند؟

ج: آیا در برخی موارد باید معنا و مفهوم کنایه را در نظر گرفت؟

ما در این مجال، سعی داریم با استناد به نظریات اساتید فن و سخن، ضمن پاسخ دادن به سؤالات فوق، موضوع را به شیوه علمی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

لارسن در کتاب ترجمه معنایی خویش در باب ترجمه کنایه چنین می‌نویسد:

«در بحث ترجمه معنایی ثانویه، پیشنهاد می‌شود که هر معنا با کلمه مختلف دیگری که در آن زبان موجود است ترجمه شود، زیرا معمولاً تطابقی بین معنای ثانویه و زبانها وجود ندارد (بجز بین زبانهای یک خانواده). همین مسئله برای معنای مجازی نیز صحیح است. لازم است معنای مجازی یک کلمه بدون تغییر، با یک کلمه یا عبارتی که ترجمه ادبی کلمه در زبان اصلی نیست ترجمه شود».^۲

وی در ادامه می‌افزاید: برای ترجمه کردن کنایه سه راه کلی وجود دارد:

۱. به نقل از مجله ترجمان وحی، سال هشتم، شماره ۱۵، ص ۷۶. مقاله: کنایه در قرآن.

۲. لارسن، «ترجمه معنایی»، ترجمه نفیسه داودی، مطالعات ترجمه، ۱۱(۱۳۸۵): ۵۶.

روش‌شناسی ترجمه کتایه در ترجمه‌های قرآن... ۷۵ □

اول اینکه معنای کلمه ممکن است به صورت غیرمجازی ترجمه شود؛ در این صورت معنای مورد نظر ممکن است واضح باشد. بنابراین معنای مجازی در ترجمه زبان مقصد لازم نیست، به عنوان مثال، او به چوبه دار رفت، ترجمه می‌شود: اعدام شد. و مارتین بنی با دستکشهایش زندگی می‌کند، ترجمه می‌شود: مارتین بنی زندگی را با بوکس می‌گذراند.

دومین احتمال، که ممکن است در بعضی مواقع بهتر باشد، حفظ کردن کلمه اصلی اما اضافه کردن معنا به آن کلمه است. این کار در جایی استفاده می‌شود که در آنجا به عنوان یک عضو معنادار یا تحت فشار، که ممکن است مانند شعر حذف شود به نظر برسد. برای مثال، او هوا می‌دهد، ممکن است ترجمه شود: او گزارش هوا می‌دهد (پیش‌بینی می‌کند)، و دنیا دیوانه است، ممکن است ترجمه شود: مردم دنیا برای دنیا می‌جنگند.

سومین امکان، تعویض یک عبارت مجازی از دستور زبان مقصد برای عبارت مجازی از دستور زبان مرجع است. این مهم است که معنای اصلی عبارت حفظ شود. در یک دستور زبان، کلمه «زبان» ممکن است با معنای مجازی مکالمه استفاده شود. در زبان دیگر ممکن است کلمه لبها این معنای مجازی را داشته باشد، و در زبانی دیگر دهان معنای مجازی مکالمه را دارد.

همچنین زمانهایی در ترجمه وجود خواهد داشت که وقتی عبارت مجازی در زبان مرجع نباشد، بهترین ترجمه استفاده از عبارت مجازی در دستور زبان گیرنده است. برای مثال، او به آنها دستورات سختی داد، ممکن است ترجمه شود: گوش آنها را کشید. هدف ترجمه حذف معنای مجازی و ثانویه نیست. بلکه هدف فقط استفاده از معنای مجازی و ثانویه و حذف اصطلاحات عجیب و یا معنای غلط عبارت است که با ترجمه لغوی یک دستور زبان از معنای مجازی و ثانوی به وجود می‌آید.^۱

استاد یعقوب جعفری در تشریح ترجمان وحی پیش از آنکه به بررسی ترجمه تعابیر کنایی در ترجمه‌های قرآنی بپردازد، درباره روش ترجمه این تعابیر چنین می‌نویسد: «باید ببینیم در ترجمه آیاتی که کنایه در آنها به کار رفته است، چه باید کرد؟ در اینجا باید توجه داشت که اگر آن تعبیر کنایی در زبان دوم معادل یا مشابه دارد، باید آن را به همان صورت ترجمه کرد و اگر معادل ندارد، باید اصل مطلب را بیان کرد و از ترجمه تحت‌اللفظی پرهیز نمود؛ زیرا ترجمه

۱. لارسن، «ترجمه معنایی»، ترجمه نفیسه داودی، مطالعات ترجمه، ۱۱(۱۳۸۵): ۵۶.

تحت اللفظی برای خواننده مفهوم نیست و گاه ممکن است حالت طنز به خود گیرد.^۱



آنچه در باب روش ترجمه کنایه به نقل از آقایان لارسن و جعفری مطرح شد، می‌رساند که برای ترجمه یک تعبیر کنایی سه روش وجود دارد:

الف: ترجمه کنایی: یعنی بیان معادل یک تعبیر کنایی در زبان مقصد که این شیوه بهترین نیز هست؛ زیرا عبارت ترجمه شده، هم وابسته به زبان مقصد و هم وابسته به زبان مبدأ است که در این صورت از رونق بلاغی تعبیر کاسته نشده و خواننده از زیباییهای موجود در کلام لذت می‌برد.

ب: ترجمه معنایی: یعنی معنا و مفهوم کنایه در زبان مقصد آورده شود. در این شیوه مترجم برای انتقال مفهوم کنایه، به زبان مقصد تکیه کرده و با اندک توضیحی سعی بر تفهیم موضوع به مخاطب را دارد. البته شیوه مذکور در صورتی مقبول و پسندیده است که معادلی برای تعبیر کنایی وجود نداشته باشد.

ج: ترجمه تحت اللفظی: که به طور کلی برای ترجمه تعابیر کنایی مناسب نیست و حتی الامکان باید از کاربرد آن در ترجمه عبارات کنایی دوری کرد. اکنون به توضیح برخی از کنایاتی که در قرآن به کار رفته و مترجمان، هر یک را به گونه‌ای ترجمه کرده‌اند می‌پردازیم:

۱. «... فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا...» (بقره، ۲۴)

پس اگر نکرديد و هرگز نمی‌کنید... (معزی)

و هرگاه چنین نکرده اید - که هرگز نتوانید کرد... (آیتی)

اما اگر از عهده بر نمی‌آیید و نمی‌توانید که محققاً نمی‌توانید... (صفارزاده)

در این آیه، برای رعایت اختصار از چند کار متعدد که به هم مربوط‌اند، با کلمه «فعل» کنایه

۱. جعفری، یعقوب. «کنایه در قرآن»، ترجمان وحی، شماره ۱۵، سال ۱۳۸۳، ص ۹.

□ ۷۷ روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن...

آورده شده است.^۱ خدای تعالی در اینجا برای بیان مطلب در مورد آوردن سوره‌ای مثل قرآن و خواندن گواهانی جز خدا از ماده «فعل» استفاده کرده است تا کنایه از هر کاری باشد و بدین ترتیب هم ایجاز و اختصار را رعایت کرده، هم از تکرار و حذف پرهیز نموده است. مترجمان نیز تعبیر کنایی را به همان صورت ظاهری ترجمه کرده‌اند و اگر به شرح و بسط معنای فعل می‌پرداختند و مواردی برای آن «فعل» ذکر می‌کردند، در واقع مفهوم آن را محدود کرده و از رونق بلاغی کلام کاسته بودند و دیگر کلمه «فعل» از لحاظ معنایی پُر فایده نبود. البته قابل ذکر است که فهم عبارت کنایی فوق مستلزم توجه به آیه قبل است.

۲. «... وَ ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَةَ وَ الْمَسْكَنَةَ...» (بقره، ۶۱)

... و زده شد بر ایشان خواری و بینوایی ... (معزی)

... مقرر شد بر آنها خواری و بیچارگی ... (آیتی)

... داغ خواری و بینوایی بر پیشانی آنها زده شد ... (صفارزاده)

جمله «ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَةَ وَ الْمَسْكَنَةَ» مبنی بر تهدید است که کفران نعمتهای بی‌مانند سبب استحقاق نعمت دائم از پروردگار درباره آنان شده است. فعل «ضَرَبَتْ»، به هیئت مجهول که با حرف «علی» متعدی شده کنایه است از استحقاق محتوم بنی اسرائیل نسبت به این نعمت همیشگی که بر جامعه یهود مقرر شده است.^۲

در ترجمه خانم صفارزاده تعبیر کنایی «داغ بر پیشانی نهادن» دلالت روشنی بر مفهوم کنایی آیه شریفه دارد و در واقع معادل مناسبی برای آن است؛ چرا که این تعبیر در زبان فارسی زمانی استعمال می‌شود که بخواهند ننگ و خواری را بیان کنند.^۳ آنچه در ترجمه خانم صفارزاده قابل نقد است، این است که ذکر کلمه خواری زاید است؛ زیرا داغ بر پیشانی نهادن خود دال بر این معناست. در ترجمه آیتی هر چند معادل کنایی آیه بیان نشده، ولی ترجمه معنایی ایشان، دلالت روشنی بر معنای مورد نظر آیه دارد، و اما در ترجمه نخست، معزی به

۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج ۱، ص ۱۰۱. و اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف. البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. درویش، محیی الدین. اعراب القرآن و بیانه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳. انوری، حسن، فرهنگ کتابیات سخن، ج ۱، ص ۵۵۵.

دلیل اینکه ترجمه تحت‌اللفظی از آیه ارائه داده، نتوانسته است مفهوم صحیح و درستی را به خواننده القا کند.



۳. «... قُلُوبُنَا غُلْفٌ...» (بقره، ۸۸)

... دل‌های ما نهان در پرده است، ... (معزی)

... دل‌های ما در حجاب است. ... (آیتی)

... دل‌های ما در پرده است [یعنی نمی‌توانیم حرف‌ها را

بفهمیم]... (صفارزاده)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پیرامون عبارت «قلوبنا غلف» چنین می‌نویسد: «این تعبیر کنایه است از اینکه ما نمی‌توانیم به آنچه شما ما را به آن دعوت می‌کنید گوش فرادهیم»^۱.

با این توضیح روشن می‌شود که معنا و مفهوم این تعبیر کنایی این است که کفار به واسطه حجابی که بر دل آنهاست از درک و فهم سخنان پیامبر ناتوانند. بنابراین مترجم نیز باید این معنا و مفهوم را در ترجمه خویش منعکس کند. در صورتی که در ترجمه‌های فوق شاهدیم که تنها ترجمه خانم صفارزاده با توضیح داخل کروش، دلالت روشنی بر معنای مورد نظر آیه دارد و آقایان معزی و آیتی با ترجمه‌های تحت‌اللفظی، مفهوم این تعبیر زیبای قرآنی را در ترجمه‌های خویش انعکاس نداده‌اند.

۴. «... مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ...» (بقره، ۱۴۳)

... از آنکه بر پاشنه خود برگردد... (معزی)

... از آنان که مخالفت می‌ورزند... (آیتی)

... از بازگروندگان به جاهلیت و شرک معلوم گردانیم... (صفارزاده)

در این آیه شریفه عبارت «يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ» کنایه از اعراض و ارتداد است. از آنجا که انسان در حال قیام روی پاشنه می‌ایستد، وقتی روی خود به طرفی برگرداند، روی پاشنه خود می‌چرخد، بدین جهت روگردانی و اعراض را با این عبارت تعبیر می‌کنند.

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۳۳۱.



در ترجمه‌های فوق تنها ترجمه معزی به دلیل تحت‌اللفظی بودنش نامفهوم است و ترجمه‌های معنایی آیتی و صفارزاده از این تعبیر کنایی تصویر روشنی از مفهوم مورد نظر را برای خواننده ترسیم می‌کنند، هرچند که ترجمه خانم صفارزاده با کلمه «بازگروندگان» به معنای مورد نظر یعنی اعراض و ارتداد نزدیک‌تر است.

۵. «... الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ...» (بقره، ۱۸۷)

... در آمیختن با زنان خود... (معزی)

... همبستری با زنانتان... (آیتی)

... آمیزش جسمانی با همسرانتان... (صفارزاده)

کلمه «الرفث» در این آیه کنایه از جماع و همبستری است.^۱ ابن منظور در ذیل ماده «الرفث» چنین می‌نویسد: «رفث» یعنی جماع و آنچه که میان مرد و همسرش جاری است، اعم از بوسیدن، عشقبازی و مانند آنها و اصل آن گفتار زشت است.^۲ و در شرح و تفسیر این واژه کنایی، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان چنین آورده است: «کلمه رفث به معنای تصریح به هر سخن زشتی است که تنها در بستر زناشویی به زبان می‌آید و در غیر آن مورد گفتش نفرت‌آور و قبیح است، لیکن در اینجا به معنای آن الفاظ نیست بلکه کنایه از عمل زناشویی است و این از ادب قرآن کریم است».^۳

در ترجمه آیه مورد بحث، مترجمان، معنای صریح این کنایه را آورده‌اند که با هدف قرآن مبنی بر پرهیز از به کار بردن کلماتی که از عفت عمومی دور است منافات دارد. ترجمه پیشنهادی: در شب روزه خلوت کردن با زنانان بر شما حلال شد.

۶. «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره، ۱۸۷)

... آنانند پوشاک شما و شمائید پوشاک آنان... (معزی)

۱. صافی، محمود، الجدول فی اعراب القرآن الکریم، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۶۴.

... آنها پوشش شمایند و شما پوشش آنها یید. (آیتی)
 ... آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها [نسبت به هم همچون رابطه تن و جامه نزدیک
 هستید و عیوب یکدیگر را می پوشانید]... (صفارزاده)

عبارت «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» کنایه از این است که زنها ساتر عیوب شوهرها و شوهرها ساتر عیوب زنها هستند، چنان که لباس ساتر عورت است و حافظ شئون یکدیگر، و اسباب زینت هم هستند؛ همان گونه که لباس حافظ بدن و باعث زینت انسان است.^۱
 در ترجمه این تعبیر کنایی خانم صفارزاده با توضیح داخل پراوتر مفهوم مستفاد از این کنایه را بیان نموده و تصویر روشنی را برای خواننده ترسیم کرده است، ولی آقایان معزی و آیتی چون فقط به ترجمه لغوی و تحت اللفظی آیه پرداخته اند، مفهوم روشنی از این تعبیر زیبای قرآنی ارائه نکرده اند.

۷. «... إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ...» (آل عمران، ۴۴)

... گاهی که می افکندند قلمهای خویش را (معزی)
 ... آن گاه که قرعه زدند (آیتی)

... آن زمان که مردان خانواده قلمهای قرعه را [که اسمشان روی آن نوشته بود]... (صفارزاده)

در این آیه شریفه «اذ یلقون اقلامهم» کنایه از قرعه انداختن است. یعنی آنان به منظور قرعه کشی، تیرهای خود را به آب می انداختند تا مشخص شود کدام یک کفالت حضرت مریم را به عهده گیرند.^۲ در ترجمه نخست، آقای معزی با ارائه ترجمه تحت اللفظی، معنای حقیقی کنایه را در نظر گرفته است و چون این تعبیر در فارسی به کار نمی رود، قابل فهم نیست، حال آنکه در ترجمه دوم و سوم، آقای آیتی و خانم صفارزاده معنای مجازی کنایه را عنوان نموده و مفهوم مورد نظر را در ترجمه خود ارائه داده اند. البته ناگفته نماند که ترجمه آیتی روان تر و گویاتر از ترجمه خانم صفارزاده است.

۱. درویش، محیی الدین، اعراب القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲؛ صافی، محمود، الجدول فی اعراب القرآن، ج ۲، ص ۳۸۲؛ طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. درویش، محیی الدین، پیشین، ص ۵۱۱؛ صافی، محمود، پیشین، ج ۳، ص ۱۷۹؛ شبیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج ۲، ص ۳۱.

۸. «... لَا يُنْظَرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (آل عمران، ۷۷)

... ننگرد بدیشان روز قیامت... (معزی)

... نه به آنان می‌نگرد... (آیتی)

... به ایشان با نظر لطف نمی‌نگرد... (صفارزاده)

در این آیه، نگاه نکردن خداوند به کافران در روز قیامت، کنایه از بی‌توجهی و خشم و غضب او بر آنان است.^۱

در زبان فارسی نیز «نگاه نکردن به روی کسی» حاکی از همین معناست.^۲ با توضیحات فوق، روشن است که ترجمه کنایی، مفهومی روشن و دلنشین را به خواننده القا می‌کند که بیان صریح و معنای مجازی آن، آن اندازه دلنشین و زیبا نیست، ضمن اینکه عبارت ما قبل این تعبیر، یعنی «خداوند با آنان سخن نمی‌گوید» قرینه مناسبی برای فهم ترجمه کنایی فوق است. بنابراین ترجمه‌های آقایان آیتی و معزی در مقایسه با ترجمه خانم صفارزاده بهتر به نظر می‌رسند، چرا که تعبیر «نظر لطف» در ترجمه ایشان به نوعی به تصریح نزدیک است.

۹. «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ...» (آل عمران، ۱۰۶)

روزی که سفید شوند رویهایی و سیاه شوند رویهایی... (معزی)

آن روز که گروهی سپیدروی و گروهی سیاه‌روی شوند... (آیتی)

چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه گردد... (صفارزاده)

در این آیه، «سفیدی رو، کنایه از خوشرویی و شادمانی و ترو تازه بودن صورت و سیاهی آن کنایه از شکستگی و بدحالی و غم و ترس و تیرگی صورت است».^۳

همان طور که مشاهده می‌شود، در ترجمه این آیه، آقای آیتی به معادل کنایی آیه اشاره داشته است؛ چرا که در زبان فارسی نیز تعابیر «سپیدرویی کنایه از نیکبختی و روشن‌رویی»^۴

۱. درویش، محیی‌الدین، پیشین، ص ۵۴۳؛ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. ثروت، منصور، فرهنگ کنایات، ص ۳۱۳.

۳. صافی، محمود. پیشین، ج ۴، ص ۲۷۰؛ درویش، محیی‌الدین، پیشین، ج ۲، ص ۱۶؛ گنابادی، حاج سلطان محمد، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۳، ص ۳۵۴.

۴. ثروت، منصور، فرهنگ کنایات، ص ۱۸۷.

و «سیه‌رویی کنایه از شرمندگی و بدحالی و بی‌آبرویی» فراوان استفاده شده و برای خواننده کاملاً قابل فهم و زیباست. اما آقای معزی و خانم صفارزاده صرفاً به ترجمه و ازگان پرداخته و ترجمه‌ای تحت‌اللفظی ارائه داده‌اند. آنان هرچند که تحلیل و تفسیر همان معادل کنایی را در ترجمه‌هایشان آورده‌اند و توانسته‌اند تا حدود زیادی مفهوم مورد نظر را به خواننده القا کنند ولی ترجمه‌شان از آن جهت که معادل این تعبیر کنایی را به کار نبرده‌اند، ادبی و دلنشین نیست.

۱۰. «... یُولُوكُمُ الْأَذْبَارَ...» (آل عمران، ۱۱۱)

پشت به سوی شما کنند.... (معزی)

پشت کنند و به هزیمت روند.... (آیتی)

پشت می‌کنند و شکست خورده برمی‌گردند.... (صفارزاده)

عبارت «یولوکم الادبار»: (به شما پشت می‌کنند)، کنایه از شکست آنان است؛ زیرا معمولاً شخص شکست خورده در کارزار به هم‌آورد خود پشت کرده و به منظور یافتن ملجأ و پناهگاهی فرار می‌کند.^۱

تعبیر پشت کردن به دشمن در فارسی نیز در همین مفهوم «شکست خوردن و ترک مکان کردن است»^۲ لذا در ترجمه این عبارت کنایی فقط ذکر پشت کردن کفایت می‌کند و اشاره به معنا و مفهوم کنایه از زیبایی و بلاغت کلام می‌کاهد. بنابراین دقیق‌ترین ترجمه این عبارت کنایی، از آن آقای معزی است؛ چرا که آقای آیتی و خانم صفارزاده علاوه بر بیان ترجمه کنایی، به معنای آن نیز اشاره کرده‌اند.

۱۱. «... عَضُوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ...» (آل عمران، ۱۱۹)

... سرانگشت خشم بر شما به دندان گزند... (معزی)

... سرانگشت خویش به دندان گزند... (آیتی)

... سرانگشتان خود را به دندان می‌گزند... (صفارزاده)

۱. زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۴۰۰؛ زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، ج ۴، ص ۳۰.

۲. انوری، حسن، فرهنگ کتابیات سخن، ج ۱، ص ۲۲۲.

گزیدن انگشت به دندان کنایه از «شدت خشم، بدخواهی تمام، ناراحت شدن و افسوس و حسرت است».^۱ همان طور که ملاحظه می‌شود، صاحبان ترجمه همگی با ترجمه‌ای معادل به معنای حقیقی کنایه پرداخته تا ضمن اینکه مفهوم را به خواننده منتقل می‌سازند، او را از زیبایی موجود در بلاغت کلام نیز بهره‌مند سازند.

۱۲. «... وَ أَنْتُمْ أَذَلَّةٌ...» (آل عمران، ۱۲۳)

در حالی که خوار بودید... (معزی)

حال آنکه ناتوان بودید... (آیتی)

در حالی که [از لحاظ امکانات و نفرات] بسیار ناتوان بودید... (صفارزاده)

در این آیه شریفه، عبارت «انتم اذلة» کنایه از ضعف حال مسلمانان و تعداد اندکشان در جنگ بدر است که گویی در آن جنگ، مسلمانان حتی یک اسب هم نداشتند.^۲

شاهد هستیم که در ترجمه دوم و سوم، مترجمان محترم معنای مجازی کنایه را در ترجمه خود ذکر کرده و مفهوم دقیق و روشنی از آن به زبان مقصد انتقال داده‌اند. حال آنکه آقای معزی با در نظر گرفتن معنای حقیقی کنایه و ترجمه تحت‌اللفظی، مفهوم صحیح و روشنی از کنایه ارائه نداده است.

۱۳. «... فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ...» (آل عمران، ۱۸۷)

... پس افکندند آن را پشت سر خویش... (معزی)

... پس پشتش افکندند... (آیتی)

... اما آن عهد را نادیده گرفتند... (صفارزاده)

محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف تفسیر و بیان این آیه را چنین آورده است: «نبد الشيء وراء الظهر کنایه عن عدم الاكتراث به والاهتمام به، كما أنَّ جعله نصب العين کنایه عن شدّة الاهتمام به».^۳ توضیح اینکه واژه «نبد» به معنای طرح و دور انداختن چیزی است، و این بیان، مثلی است که در مورد ترک و بی‌اعتنایی نسبت به چیزی به کار می‌رود؛ چنان که در

۱. ثروت، منصور، پیشین، ص ۳۱.

۲. درویش، محیی‌الدین، پیشین، ج ۴، ص ۲۹۹.

۳. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، ج ۲، ص ۲۲۶.

□ ۸۴ ترجمان وحی

مقابل آن، یعنی در مورد عنایت داشتن به امری و گرفتن و ملازمت آن، تعبیر «نصب العین» را به عنوان مثل به کار می‌برند.

در ترجمه این آیه، خانم صفارزاده معنای مجازی کنایه را در ترجمه خود منعکس کرده و ترجمه‌ای روشن و واضح به دست داده است: نکته قابل توجه در ترجمه آقایان معزی و آیتی که به معنای حقیقی کنایه و معادل این تعبیر کنایی عنایت داشته‌اند، این است که در ترجمه یک تعبیر که در زبان مقصد، ضرب‌المثل شده است، باید به گونه‌ای عمل کرد که کلمات بدون هیچ تغییر و کم و کاستی بیان شوند. به عبارت دیگر، آنان باید دقیقاً از عبارت «پشت سر انداختن» استفاده می‌کردند، زیرا کاربرد افکندن به جای انداختن، ضمن اینکه از زیبایی و رونق کلام می‌کاهد، آنچنان مفهوم روشنی که از انداختن حاصل می‌شود، در آن احساس نمی‌شود.

□

جدول نتایج بررسی ترجمه کنایه در سوره‌های بقره و آل عمران

۱. معزی

سوره: آیه	تحت‌اللفظی	معنایی	کنایی
بقره: ۲۴	*		
بقره: ۶۱	*		
بقره: ۸۸	*		
بقره: ۱۴۳	*		
بقره: ۱۸۷ «... الرفث...»		*	
بقره: ۱۸۷ «... هن لباس لکم...»	*		
آل عمران: ۴۴	*		
آل عمران: ۷۷			*
آل عمران: ۱۰۶	*		
آل عمران: ۱۱۱			*
آل عمران: ۱۱۹			*
آل عمران: ۱۲۳	*		
آل عمران: ۱۸۷	*		

۲. آیتی

سوره: آیه	تحت اللفظی	معنایی	کنایی
بقره: ۲۴	*		
بقره: ۶۱		*	
بقره: ۸۸	*		
بقره: ۱۴۳		*	
بقره: ۱۸۷ «... الرفث...»		*	
بقره: ۱۸۷ «... هن لباس لکم...»	*		
آل عمران: ۴۴		*	
آل عمران: ۷۷			*
آل عمران: ۱۰۶			*
آل عمران: ۱۱۱			*
آل عمران: ۱۱۹			*
آل عمران: ۱۲۳		*	
آل عمران: ۱۸۷	*		

سوره: آیه	تحت اللفظی	معنایی	کنایی
بقره: ۲۴	*		
بقره: ۶۱			*
بقره: ۸۸		*	
بقره: ۱۴۳		*	
بقره: ۱۸۷ «... الرفث...»		*	
بقره: ۱۸۷ «... هن لباس لکم...»		*	
آل عمران: ۴۴		*	
آل عمران: ۷۷		*	
آل عمران: ۱۰۶	*		
آل عمران: ۱۱۱			*
آل عمران: ۱۱۹			*
آل عمران: ۱۲۳		*	
آل عمران: ۱۸۷		*	

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در دو بخش ذیل خلاصه کرد:

۱. ترجمه کنایه در قرآن

با تحلیل و بررسی تعابیر کنایی و جایگاه و نقش اسلوب کنایه در انتقال پیامهای قرآن کریم به خوبی روشن می‌شود که:

الف: برای یک مترجم قرآن، آشنایی به مباحث ادبی و بلاغی بسیار لازم و ضروری است.

ب: آگاهی از اسلوبهای بیانی از جمله کنایه، نقش بی‌بدیلی در ترجمه صحیح آیات شریفه دارد. بی‌تردید غفلت از این اسلوبها موجب سوء برداشت و ترجمه نادرست از قرآن خواهد شد.

ج. با بهره‌گیری از مباحث بیانی و بلاغی همچون کنایه می‌توان تصویرهای زیبایی از صحنه‌هایی که قرآن کریم آنها را حکایت کرده، ترسیم نمود، و از این طریق شیرینی و جذابیت بیشتری به ترجمه داد و به تأثیرگذاری عمیق‌تر معارف قرآنی بر انواع مخاطبان، کمک کرد.

۲- ترجمه کنایه در ترجمه‌های (معزی، آیتی و صفارزاده)

نتایج آماری حاصل از بررسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های نامبردگان به قرار زیر است:

مترجم	تحت‌اللفظی	معنایی	کنایی
معزی	۶۹/۲۳	۷/۶۹	۲۳/۰۷
آیتی	۳۰/۷۶	۳۸/۴۶	۳۰/۷۶
صفارزاده	۱۵/۳۸	۶۱/۵۳	۲۳/۰۷

جدول فوق بیانگر نکات متعددی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف: از آنجایی که ترجمه تحت‌اللفظی از تعابیر کنایی یک روش نادرست است و مخاطب را از مفهوم مورد نظر، محروم می‌کند، بنابراین با این روشی که آقای معزی اتخاذ کرده و حدود ۷۰٪ از تعابیر لطیف کنایی قرآن مجید را در قید و بند الفاظ قرار داده است، این خود حاکی از این است که ترجمه ایشان در باب کنایه به همین اندازه برای مخاطبان نامفهوم

□ ۸۹ روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن... □

است و این مسئله در ترجمه کتاب آسمانی که باید پیام آن به گوش همگان برسد، یک اشکال اساسی است.

ب: همان طور که پیشتر مطرح شد، بهترین ترجمه برای تعبیر کنایی، ترجمه کنایی است که در این باره چنانچه نیک بنگریم، پی خواهیم برد که ترجمه آقای آیتی در مقایسه با دو ترجمه دیگر درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است.

ج: ایراد اساسی که به ترجمه آقای آیتی و خصوصاً به ترجمه خانم صفارزاده - که روش ترجمه ایشان یک روش تفسیری و آزاد است - وارد است، این است که تقریباً بخش قابل توجهی از کنایات را به شکل تحت‌اللفظی ترجمه کرده‌اند، و این با روش ترجمه آنان تناسب ندارد و بیانگر عدم توجه آنان به این عنصر بیانی است.

کوتاه سخن اینکه کنایه‌های زبان عربی در بیشتر موارد با کنایه‌های زبان فارسی مطابقت نمادین ندارد و مترجمان در انتقال ساز و کار بلاغی زبان مبدأ به لحاظ ویژگیهای زبان مقصد، ناتوانند. بنابراین در صورت امکان بهترین ترجمه برای تعبیر کنایی، ترجمه کنایی است تا ضمن انتقال تمام و کمال مفهوم مورد نظر به زبان مقصد دارای جاذبه‌های بلاغی نیز باشد. در غیر این صورت باید به ترجمه معنایی روی آورد و حتی الامکان از ترجمه تحت‌اللفظی اجتناب کرد. در همین راستا، تسلط و اشراف مترجم بر علم بلاغت به عنوان یکی از علوم پیش‌نیاز ترجمه قرآن کریم و آشنایی وی به فرهنگ زبان مبدأ و زبان مقصد، ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، (۱۳۷۴ هـ.ش).
۲. قرآن کریم، ترجمه طاهره صفارزاده، تهران، مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (۱۳۸۰ هـ.ش).
۳. قرآن کریم، ترجمه محمد کاظم معزی، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، (۱۳۷۲ هـ.ش).
۴. انوری، حسن. فرهنگ کنایات سخن، ۲ جلد، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، (۱۳۸۳ هـ.ش).
۵. ثروت، منصور. فرهنگ کنایات، تهران، چاپخانه سپهر، چاپ اول، (۱۳۶۴ هـ.ش).
۶. جعفری، یعقوب، «کنایه در قرآن»، فصلنامه ترجمان وحی. سال هشتم، ش ۱۵، ۱۳۸۳، ص ۹.
۷. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، چاپ اول، (۱۴۰۴ هـ.ق).
۸. طیب، سید عبدالحسین، اظیب الیابان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم (۱۳۶۶ هـ.ش).
۹. لارسن، «ترجمه معنایی»، ترجمه نفیسه داودی، مطالعات ترجمه، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۵، ص ۵۶.

ب. منابع عربی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۹۸۸ م.
۲. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف. البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۳. درویش، محیی الدین. اعراب القرآن و بیانہ. دمشق، دار الارشاد، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۵ هـ.ق.

روش‌شناسی ترجمه کتایه در ترجمه‌های قرآن... ۹۱ □

۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج، بيروت، دارالفكر المعاصر، الطبعة الثانية، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۵. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق التنزيل، بيروت، دارالكتاب العربي، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۶. شیبانی، محمد بن حسن، نهج‌البيان عن كشف معاني القرآن، ج ۲، تهران، بنياد دائرة المعارف اسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۷. صافی، محمود، الجدول في اعراب القرآن الكريم و صرفه و بيانه بيروت، دار الرشيد، مؤسسة الايمان، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۸. طباطبائی، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۹. طبرسي، ابو علي فضل بن حسن. جوامع الجامع، ترجمه احمد اميري شادمهري، مشهد، بنياد پژوهش آستان قدس رضوي، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۱۰. گنابادی، حاج سلطان محمد، بيان السعادة في مقامات العبادة، ترجمه محمد آقارضاخانی و حشمت الله رياضي، تهران، مركز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۱۱. مغنيه، محمد جواد، تفسير الكاشف، تهران، دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴ هـ.ق.

